



A T I Y E N O

شناسنامه
P R O F I L E

- صاحب امتیاز:**
- موسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه (وابسته به سازمان تامین اجتماعی)
- سردبیر:** زیر نظر شورای سردبیری
- صفحه‌آرا:** محمدرضا لری چی
- عکس:** پرتو جغتایی
- ویراستار:** کوروش اشرفی
- حروفچین:** اکرم خاکپور
- نشانی:** میدان آرژانتین، خیابان احمد قصیر خیابان دوازدهم، شماره ۲۲
- تلفن:** ۰۲۱-۴۵۴۳۶
- تحریریه:** داخلی ۱۳۸
- بازرگانی:** داخلی ۱۲۲

www.atiyeno.ir

کتاب
B 0 0 K

سید جواد میرهاشمی
پژوهشگر و فیلساز

در بارهٔ نمایشگاه عکس «ماه، تنها شاهد» اثر امید طاری فرد

شاهد مقصود مصور

ما دامت الشمس تآتی بعدَ ظَلْمَتَا
فلیعلِمَ الیأسُ أنَّ القَدامَ الأملُ
تازمان که خورشید از پس تاریکی ما سر برآرد، بگذار ناامیدی بداند که آنچه در راه است، روشنایی و امید است.
«امید طاری فرد»، عکاس مجموعهٔ عکس «ماه، تنها شاهد» در پیشانی نوشت نمایشگاه و معرفی مجموعه‌اش می‌نویسد: در سکوت، شب انعکاس نور ماه بر پهنهٔ دریا حضور دارد ناظری خاموش که داستان‌ها را در سینه نگاه می‌دارد. این مجموعه دعوت به سرزمینی ورای زمان است. در اینجا مرز میان واقعیت و رویا محو می‌شود؛ لحظه‌ای رسوده شده از داستانی بی انتها... و او تنها شاهد روایت «ما» است. ماه، تنها شاهد بی صدا و آرام لحظه‌های ماست؛ نوری که در سکوت شب بر زمین می‌تابد و گواهی می‌دهد بر آمدن سپیده. در هر عکس، هر قاب، در سکوت هر تصویر، روزنه‌ای از روشنایی پنهان است؛ شکافی کوچک در دل تاریکی که نوید سپیدی فردا را زمزمه می‌کند. «ماه تنها شاهد» دعوتی است به نگاه دوباره، به دیدن نور در دل سایه‌ها، به یافتن امید در لحظه‌های بی صدا و تنهایی. این نمایشگاه، همچون سفری در شب، نشان می‌دهد که حتی در تاریک‌ترین لحظات، نوری هست که منتظر ماست؛ نوری که بر دل سیاهی می‌تابد و از نوزدنگی را ممکن می‌سازد.»
باید «شاهد مقصود مصور» بود تا به جای ماه بنشیننی و مناظر را نظاره کنی و آنگاه آن را ثبت کنی. و حیف عکس‌ها شناسنامه ندارد و ای کاش تاریخ ثبت و نگاه عکاس در او واقعی و نمایه‌ای ثبت می‌شد تا ارزش هنر عکاس بیشتر جلوه پیدا می‌کرد. تماشاگر هفده عکس را در لحظه‌های کوتاهی می‌بیند، مکت می‌کند، به‌خاطر می‌سپارد و می‌گذرد؛ لحظاتی که عکاس روزها و ماه‌ها و سال‌ها از نگاه‌اش گذشته و انتخاب هفده عکس قطعاً کاری است سخت آسان. تا مگر شاهد مقصود مصوّر گردد دلِ چون آینه پرداخته می‌باید رفت

صائب تبریزی



نمایشگاه عکس «ماه، تنها شاهد»

- امید طاری فرد؛ ۳۰ مرداد ۱۴۰۴ شهریور ۱۴۰۴
- خانهٔ فرهنگ و هنر سپند

۱۶

صفحه آخر |

می خواهیم زنده بمانم

در بارهٔ فیلم **صدای هند رجب** ، صدای مظلومیت مردم غزهٔ در قلبِ غرب که شیر نقره‌ای ونیز را کسب کرد



دیگر به‌سختی می‌شود حرفی برای گفتن پیدا کرد اما امیدوارم خیلی‌ها این فیلم را ببینند. شِری لیندن

فیلم «صدای هند رجب» (The Voice of Hind Rajab) ساختهٔ کوثر بن هنیه (Kaouther Ben Hania)، به‌عنوان نمایندهٔ دورهٔ جشنوارهٔ مسابقهٔ اصلی هشتاد و دومین دورهٔ جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم ونیز، نخستین بار در روز چهارشنبه، سوم سپتامبر (دوازدهم شهریور) به نمایش درآمد و چنان همه را به وجود آورد که پس از اکران، نزدیک به ۲۴ دقیقه صحنه‌ای کم‌نظیر و باشکوه را تجربه کرد؛ تماشاگران ایستاده و بی‌وقفه دست زدند، اشک ریختند و در پایان شعار «فلسطین آزاد» سر دادند و نه تنها رکورد طولانی‌ترین تشویق تاریخ جشنواره را شکست، بلکه پیام روشنی از همبستگی جهانی با مردم غزه را به همراه داشت.

در حالی که نورافکن‌های جشنوارهٔ ونیز همواره بر ستاره‌های سینما و فیلم‌های پرزرق و برق متمرکز است، امسال یک روایت انسانی و دردناک مرکز توجه قرار گرفت. حاضران در سالن، بسیاری با چشمانی اشک‌بار، پرچم فلسطین را بالا بردند و گروهی از بازیگران و سینماگران بین‌المللی با در دست داشتن تصویر هند رجب روی فرش قرمز، یاد این کودک شش سالهٔ فلسطینی را گرامی داشتند. لحظه‌ای که به سرعت در رسانه‌ها و

شبکه‌های اجتماعی بازتاب یافت و جشنوارهٔ ونیز را به آوردگاهی فرهنگی برای بیان اعتراض سیاسی و انسانی بدل کرد. هم چنین واکنش تماشاگران و منتقدان در ونیز نشان داد که «صدای هند رجب» تنها یک فیلم نیست، بلکه تبدیل به‌سندی تاریخی و صدایی تازه برای افکار عمومی جهان شده است.

این فیلم بر پایهٔ یکی از تکان‌دهنده‌ترین رخدادهای جنگ غزه ساخته شده است؛ دختر بچهٔ شش‌ساله‌ای که در ۲۹ ژانویهٔ ۲۰۲۴ پس از حملهٔ هوایی اسرائیل، همراه خانواده‌اش در یک خودرو گرفتار شد. تمام اعضای خانواده‌اش جان باختند، اما او زنده ماند و در تماس تلفنی با هلال احمر فلسطین بیش از یک ساعت برای نجات خود استمداد کرد و با صدایی لرزان بارها گفت «من می‌ترسم، می‌خواهم زنده بمانم» در تاریخ ثبت شد؛ اما پیش از آن که امدادگران به او برسند، خودرو امدادی اندکی بعد، نیروهای اسرائیلی با شلیک مستقیم، به زندگی کوتاه‌اش پایان دادند.

بن هنیه در این فیلم ۸۹ دقیقه‌ای، با استفاده از صدای واقعی تماس‌های هند و بازسازی هنری صحنه‌ها، روایت را از سطح یک گزارش جنگی به یک تجربهٔ عاطفی و انسانی ارتقا می‌دهد. فیلم نه تنها لحظه‌های آخر زندگی هند را بازگو می‌کند، بلکه با تابی از رنج یک ملت است؛ ملتی

که سال‌هاست زیر بمباران و محاصره، صداهایش خاموش شده و کودکان‌اش قربانی جنگی نابرابر می‌شوند.

در نشست خبری پس از نمایش، بازیگران فیلم با چشمانی اشک‌بار در کنار کارگردان ایستادند. موفقیت «صدای هند رجب» در ونیز تنها به تشویق و اشک تماشاگران محدود نشد. حضور چهره‌های شناخته‌شدهٔ سینمای جهان هم‌چون برد پیت، واکین فینیکس و آلفونسو کوارون به‌عنوان تهیه‌کنندگان اجرایی، نشان داد که این پروژه توانسته حمایت جدی در سطح بین‌المللی کسب کند. همراهی این نام‌های بزرگ هالیوودی، هم وزن رسانه‌ای فیلم را افزایش داده و هم احتمال اکران گسترده آن را در بازارهای جهانی بالا برده است.

سازندهٔ فیلم در بیانیه‌ای دربارهٔ اثرش نوشت: «در قلب این فیلم چیزی بسیار ساده و درعین حال تحمل‌ناپذیر وجود دارد. من نمی‌توانم دنیایی را بپذیرم که در آن کودکی کمک می‌خواهد و هیچ‌کس نمی‌آید. این درد و این شکست، متعلق به همهٔ ماست. این داستان فقط دربارهٔ غزه نیست، بلکه از

اندوهی جهانی سخن می‌گوید. من باور دارم که تخیل در سینما-به‌ویژه زمانی که بر اساس وقایع واقعی و دردناک ساخته شود- قدرت‌مندترین ابزار است؛ قدرت‌مندتر از هیاهوی خبرهای فوری یا فراموشی ناشی از شبکه‌های اجتماعی. سینما می‌تواند حافظه‌ای را زنده نگه‌دارد. سینما می‌تواند در برابر فراموشی مقاومت کند. باشد که صدای هند رجب شنیده‌شود.»

«صدای هند رجب» که ۱۰۰ درصد رضایت براساس نظر ۱۴ منتقد را به‌همراه داشت، در اختتامیهٔ ونیز که شامگاه یک‌شنبه، ششم سپتامبر (شانزدهم شهریور) برگزار شد، اگرچه تنها جایزهٔ بزرگ هیئت داوران موسوم به شیر نقره‌ای را کسب کرد اما تمعدانه و ناعادلانه، در داوری‌ها، دیده نشد و حالا خود را باز هم در جایگاه نمایندهٔ تونس، برای به‌دست آوردن عنوان بهترین فیلم خارجی‌زبان نود و هشتمین دورهٔ جایزهٔ اسکار آماده می‌کند هر چند آن چه اهمیت دارد این است که هنر در برابر سانسور و روایت‌های تحریف‌شده، هم‌چنان قدرت دارد و می‌تواند وجدان عمومی را بیدار کند.



• یک‌شنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۴ • شماره ۴۹۴

تاریخ
H I S O R Y

امیررضا محمدی
روزنامه‌نگار

در شادبادش هزاروپانصدمین سال ولادت حضرت ختمی‌مرتبت (ص)

کسی که شبیه احدی نبودو کسی به‌مانندش نیست

بخشی از زندگانی حضرت محمد (ص) به‌عنوان پیام‌آور وحی و انتساب پیام و دین‌اش به حق تعالی ثابت و برتر از زمان و مکان و تبدیل است. در مقابل، زندگانی ایشان از جنبهٔ طبیعی، مانند تمام انسان‌های دیگر تلقی می‌شود که از پدر و مادری متولد شده، رشد و بلوغ داشته، ازدواج کرده و سرانجام وفات یافته است.

عباس زریاب خوبی

شاید تنها مطلبی که هرگاه از شنیدن و خواندنش، سرخوش و دلشاد می‌شوم، سیره و ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی پیامبر عزیزمان (ص) است؛ کسی که از وقتی زاده شد، حرکات و خصوصیات‌اش مانند دیگر کودکان هم‌سالش و هیچ‌یک از آدم‌های زمان خود نبود و در سبک زندگی و خلق و رفتار، مانند آنان برخورد نمی‌کرد که این تا زمان برانگیختگی‌اش ادامه داشت. همین موضوع هم در عین این که توجهات و تعجبات را جلب می‌کرد، موجب محبوبیت‌اش می‌شد، چرا که اخلاقیات عظیم ایشان، یادآور فطرت بشر بود؛ میل به خوبی و نیکی و گذار از شر و بدسگالی. هر یک از پیغام‌بران الهی، مصلح گمشده‌ای از جامعهٔ خود بودند و به‌راستی بزرگ‌ترین دستاورد پیامبر پیش از معجزهٔ کتاب، «اخلاق و انسانیت بود؛ گنجی که در جزیره‌العرب آن روزگار، چیزی از آن یافت نمی‌شد و تمام دستاورد‌های الهی حبیب خدا برآی بشریت، از همین دو کلمه تمدن‌ساز نشأت گرفت که گمان می‌برم تدبیر دوباره در مهم‌ترین آن‌ها، برای امروز ما و همیشه لازم است؛

۱. مهم‌ترین وظیفهٔ رسول‌الله (ص) پس از نبوت، تشکیل حکومت بر مبنای اسلام و تدوین مدنیت جامعهٔ مسلمانان بود. کاری که تاپیش از این توسط هیچ‌یک از انبیاء و اولیاء در تاریخ رخ نداده بود و با خاتمیت آنان، به‌عنوان مترقی‌ترین سنت اجتماعی خداوند، بنیان گذاشته شد. سنتی که با تعریف مفاهیمی همچون مشورت، مشارکت، گفت‌وگو و تعامل اجتماعی توسط شخص رسول خدا به‌عنوان صفات ذاتی حضرت، به ترقی والا تری رسید.

۲. به مهم‌ترین نکته‌ای طی رسالت خود به آن تأکید داشت و عمل می‌کرد، گفت‌وگو و سخن‌باهر انسانی به‌اندازهٔ عقل او بود و این مسئله را معصومان (ع) و علمایی همچون ملاصدرا، تأکید کردند.

شاید یکی از مهم‌ترین دلایل انتشار سریع اسلام و تسخیر قلوب انسان‌ها، همین ویژگی فرستادهٔ بزرگ خداست که همدلی و تعامل را در کنار منطق و هه‌زیانی با مردم به‌عینه اجرا کرده است.

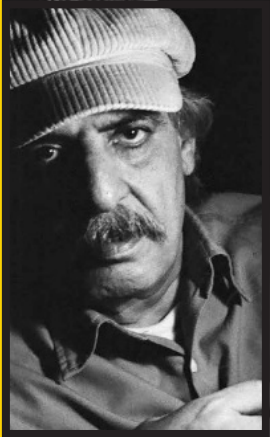
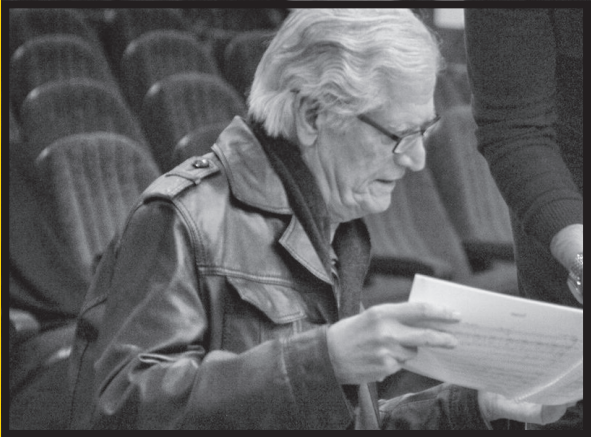
۳. در میان بزرگ‌زادگان و اشراف زمان جاهلیت حتی فرزندان هاشم و عبدالطلب، زهد و ساده‌زیستی مسئلهٔ غریبی بود، اما پیامبر (ص) از همان ابتدا مصرانه به آن عمل می‌کرد تا تجمل، تفاخر، اشرافیت و برده‌داری را که موجب عدم

عدالت و زیرپا گذاشتن انسانیت می‌شد مذمت کند. حیا و متانت، دیگر سنت نبی اکرم (ص) بود که از ابتدای کودکی به آن توجه داشت و شاید بتوان گفت بسیار بیش از اطرافیان به آن عمل می‌کرد.

۴. معروف است که ایشان فوق‌العاده به عطر علاقه‌مند بودند و حتی نصف درآمد خود را صرف تهیه آن می‌کردند. نظافت، طهارت و بوی خوش، ویژگی‌هایی است که بازمهم آن حضرت را از طفولیت، از مابقی مردم هم‌عصر خود جدا کرد و سنتی است که اسلام و پیروانش را از سایر ادیان الهی و ابراهیمی، با فواصل طولانی جدا می‌کند.

۵. اما برجسته‌ترین مسئلهٔ اسلام و شخص پیامبر اعظم (ص)، در رابطه با حرمت و عظمت مقام زن است؛ موضوعی که پیش و پس از حیات ایشان تقریباً رعایت نمی‌شد تا جایی که امروز هم جاهلانی به‌این واسطه، اسلام را ضد حقوق زن می‌داند! رسول خدا (ص) مردم را از رسوم غیرانسانی و شیطانی همچون زنده به گور کردن دختران، توهین و جسارت‌شوهر به همسر، تعرض مردان به محارم خصوصاً مادر و حفظ حرمت و حقوق انسانی کنیزان به‌شدت بازمی‌داشت و دو سنت جالب را در جامعه باب کرد؛ نخست، ازدواج با حضرت خدیجه کبری (س) با اختلاف سنی بیشتری نسبت به خود و دوم، وجود حضرت فاطمه زهرا (س) به‌عنوان تنها وارث ایشان که سنت‌شکنی بزرگی بود و ثابت می‌کرد دختر نیز می‌تواند حامل میراث پدر باشد، به‌طوری‌که تمام پیشوایان و جانشینان نبی خدا (ص)، از نسل یگانه‌فرزند دختر ایشان بود.

موسیقی معاصر ایرانی به‌شمار می‌آید. او که پیش از انقلاب، مدتی مدیریت گروه موسیقی دانشگاه تهران را عهده‌دار بود، در دانشگاه کلمبیای آمریکا، دکترای موسیقی گرفت و از آهنگسازان تالار رودکی و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بود. «ایرج صغیری» که او را پدر تئاتر بوشهر می‌نامند و می‌دانند، بیست و پنجم شهریور، چندماه پیش از هشتاد سالگی جان به جان آفرین تسلیم کرد. او که با بازی در نقش ابوذر در تئاتری که با همکاری داریوش ارجمند و نظارت علی شریعتی در دانشگاه فردوسی مشهد و حسینیه ارشاد اجرا شد، توانست مهارت خود را به نمایش بگذارد و است و از همین‌رو از موسیقیدانان صاحب‌سبک در ادبیات



همه چیز در خدمتِ

بومِ ایران

در سوگ دو چهرهٔ تازه در گذشتهٔ موسیقی و تئاتر؛ «احمد پژمان» و «ایرج صغیری»

این روزها، موسیقی و تئاتر ایران سوگوار دو چهرهٔ برجستهٔ خود شد.

هفتم شهریور، «احمد پژمان»، موسیقیدان و آهنگساز تکرارناشدنی، کمتر از دوماه پس از نود سالگی، دور از وطن، در آمریکا دار فانی را وداع گفت. او که فرهاد فخرالدینی (استفاده از ظرایف خاص موسیقی اصیل ایرانی، به کارگیری صحیح آن‌ها در نوشتن مجموعه‌های موسیقی و در نهایت همکاری با بهترین ارکسترهای اروپا و آمریکا» را از نکات قابل توجه در کارنامهٔ هنری‌اش می‌داند، بیشتر با ساخت موسیقی فیلم‌های بهمن فرمان‌آرا چون «شازده احتجاب»، «بوی کافور، عطر یاس»، «خانه‌ای روی آب» و «یک‌بوس کوچولو» به یاد عموم آورده می‌شود، اما اهل فن می‌دانند او از جمله کلاسیک‌دانان زبردست ایران بود و آثار زیادی طی فعالیت‌های هنری خود در فرم‌های شناخته‌شدهٔ غربی مانند سمفونی، اپرا، باله، راپسودی، اوراتوریو، پوتم سمفونیک و دیگر شیوه‌ها با تأثیر از موتیف‌ها و تم‌های ایرانی خلق کرده است و از همین‌رو از موسیقیدانان صاحب‌سبک در ادبیات